

آتش نشانی کردند که قال سبحانه لا یحیی بلمه جنان مالوف طابع و انور من  
 این که در کتب که فی الشیخ را بجهت از درون روح از برای ریاض جنان برایش بود از درون  
 آن منفر شوند و اگر فایده از فواید رحمت بخش داد و القادری نام این که بر مدد از منبر  
 آن منفر شوند که جعل و تعویذ به با القادریات و تعویذ به با یحیی  
 مانند و ذکر کنند او و قدر این را در روز دنیا و کفر او و قدر این را در  
 الورد و کانه الی هذه الخالفة الثالثة انما النبي صلى الله عليه وسلم يقول ان  
 ورد و کما که برای این عالم نامه شد که فرمود بجا صلی الله علیه وسلم <sup>ابن خزيمة</sup>  
 بعض اهل التمام نبلا عبوه فيها بالنا و بقوله سيباني على جعفر نهما ان  
 بعض اهل روزگار با یکدیگر با ری خوانند که در روزگار با نش و قول خود زیست که خواهد آمد بر این  
 بنیت من قهرها الجهر الحسن انبت شرح كلام حضرت شيخ و تفریح سخنان نابیان این  
 کرمه از قرآن <sup>ابن خزيمة</sup> قدس القادری و اجهم و اگر کسی را در عالم ضحای بنده با بر تو هم مخالفت آن با ظاهر حق را با  
 و حدیث باید که بر انکار امر از تمام و بطعن در او با ای خداوند سبحان در مرتبه خود بر  
 فهم خود عمل کند بر نقصان حال این که امنا بجا جاء من عند الله علی مراد الله  
 ایام آوردیم بجز آنکه است از نزد خدای بر او در ضحای  
 و بجا جاء من عند رسول الله علی مراد رسول الله و بجا جاء من کل الراسخين  
 بجز آنکه است از نزد رسول خدای بر او در رسول خدای و بجز آنکه از کلامه و سخنان  
 فی العلم علی مرادهم احیاناً الله علی ما تم و اما تنا علی سبع هم و حضرت با بی  
 در علم بر او این که زنده دارد او را خدای بر او این که در بر او را بر سر ایشان و بر آنکه  
 نه من هم و جعلنا منهم و معهم او من اجمع و اتبعهم و لما كانت الرحمة  
 زنده ایشان و کردار ما را از ایشان و ایشان را از همه یک یک و در کتب ایشان در هر کس که

المشار إليها نفعه رحمة ذاتية مطلقة امتنانية هي التي وسعت  
 این که گفته است بر آن که در نوع یکی رحمت ذاتی مطلق امتنانی است که بر همه  
 کل منی و من هذه الرحمة كل عطاء يقع لا عن سوال او حاجة ولا سب  
 بر شی را و ازین رحمت هر عطایکه واقع می شود از سوال و حاجت و سب  
 او استحقاق او وصف ثابت المعطية له احوال مرضي يكون عليه كالدنيا  
 با استحقاق او وصف ثابت را که برای معطل است با مرعال خوشنودی را که با شد از آن  
 والخيرات الحاصلة في الجنة لقوله بالرسول المسمى في الجحيم عن عناية لا  
 و غیرت <sup>عاصم</sup> در رحمت برای قوم بسیریک کسی است در جهنم ثابت نه  
 یعمل عملن او خیرند من کما و مردانه یعنی فی الجنة مواضع خیریه  
 برای معنی که که اندک این بجز آنکه تقدم کرده اند از اجناس و در رسیده است بر سبب که باقی خواهد ماند  
 بملاها الله تعالى خلق خلقهم لم يعملوا خيرا قط امضا و لم سابق  
 بر خواهر کردن آن را از آن که با بجز آنکه بیدار میکند این که عمل آن که در یکی را فقط برای که در این  
 حکم و قوله لكل واحد منكم ما ملوا متعلق طمع ابلین هذه الآية  
 حکم اداد قول او بر هر یک از شما ای عبادت دار که در آن را وفق طمع ابلین همین رحمت  
 الامتنانية التي لا توقف علی شرط و قيد و الرحمة الاخرى هي  
 امتنانیه که رحمت موقوف بر هیچ شرط و قید رحمت دیگر آن  
 الرحمة القافية عن الرحمة الذاتية و المنفصلة عنها بالقيود التي  
 رحمت فایضا است از رحمت ذاتیه و منفصله از آن می شود که  
 من جعلتها اللاتية المشار إليها بقوله كتب بكم على نفسه الرحمة و يقول  
 از جمله آنها کتبت مشار إليها بقوله يقول ان توفيت ربنا برض خور رحمت و قول